IRAN-E ZANAN No.3003 - Dec.18 ISSN: 1027 - 1994 Keytitle: IRAN (Tehran)

ایران زنان

سال دهم ـ شماره ۳۰۰۳
شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۸۳ ـ ۵ ذیقعده ۱۴۲۵

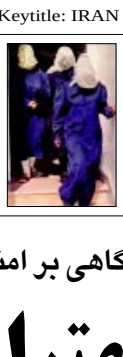

تجاربی از همسایگان جنوبی
زنان
و اصلاحات
صفحه ۱۲

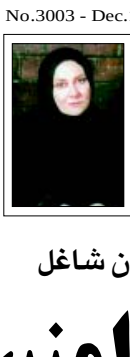

مروری گذرا بر
پرونده داستان نویسی
«زویا پیرزاد»
صفحه ۱۳

زنان صیغه ای
از دیروز
تا امروز
صفحه ۱۴

میهمان زنان

هویت دارم و نگران این نسل هستم

منیژه حکمت

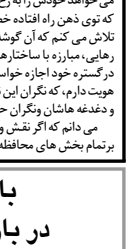

دوماهی می شود که قرار است برای بخش زنان روزنامه ایران یادداشت بنویسم، هر بار که تصمیم می گیرم بنویسم، ذهن هزارپاره من نمی داند به کدام سو قلم را بکشاند. ازامیدها بنویسد یا از نا امیدیها، ازدغدغه ها بنویسد یا از بیم ها وهراس ها، از مطالبات زنانی بنویسد که قصد بیرون آمدن از خانه را دارند یا از مطالبات خودم به عنوان یک شهروند درجه دو. بخشی از ذهنم که محافظه کار است، مدام سانسور می کند واجازه پیشروی قلم را نمی دهد وهرچه بنویسم رویش خط می کشد. ولی آن بخش از ذهن که دردگذر از اتفاقات نامفهوم و ؟؟؟؟؟؟ درحال گم شدن است، خودش را به رخ بکشد و حرکت قلم را به اختیار بگیرد. دراین جنگی که توی ذهن راه افتاده خطوطی نوشته می شوند که مدام خط می خورند. من تلاش می کنم که آن گوشه های ترسیده ذهنم را تقویت کنم. شاید تنها راه رهایی، مبارزه با ساختارهای قبیله ای ذهن هایمان باشد، ساختاری که درگستره خود اجازه خواستن حق ها را نمی دهد ؛ حق ابراز وجودکه هستم ، هویت دارم، که نگران این نسلم و نگران پاسخ های بی جوابشان ، دلهره هاشان و دغدغه هاشان ونگران حرمت به اندیشه وتفکرشان.

می دانم که اگر نقش واقعی خودم را پیدا کنم. ذهنم دوباره فعال می شود و برتمام بخش های محافظه کار وسانسورچی خود خط بطلان می کشد.

بامنیژه حکمت

در باره آخرین کارش

راضیه بهرامی

یک. NGO مخفف None government organization که امروزه تقریباً یک واژه آشناست.

دو. منیژه حکمت، بعد از زندان زنان هنوز منتظرم. آیا کار تازه او مرا به اندازه زندان زنان دچار شوک خواهد کرد؟

سه. خارجی/روز/ میدان هفت تیر

نشانی/روی کاغذ نوشته ام. خوشبختانه سر راست است و کوچه پس کوچه ندارد.

چهار. لطفاً صبر کنید! همه موارد بالا به هم ربط دارد.

تازه چه خبر؟ (این آسان ترین سؤالی است که کامل ترین پاسخ ها را با آن می شود به دست آورد)

مستند ان جی اوها را کار می کنم، از چهار پنج سال پیش دنبال این ماجرا بودم تا اینکه وزارت کشور به عنوان تهیه کننده با اجرای این طرح موافقت کرد.

این کار جذابیتی هم داشت؟ مستند، آن هم درباره ان جی او!

چرا برای خود من خیلی جذاب بود، من واقعاً انرژی می گرفتم از اینکه می دیدم زنان دراستان های محروم کشور مانند هرمزگان و سیستان وبلوچستان در تمام عرصه ها فعالند. حتی در روستاها زنان ما دور هم جمع شده اند و تشکلهایی به صورت تعاونی راه انداخته اند، بدون آنکه تعریف علمی آن را بدانند. در واقع نیازهایشان آنها را وادار کرده به این تعریف برسند.

فکر نمی کنید زیاد شدن تعداد تشکلهای غیردولتی که امروز شاهد آن هستیم، به اهداف اصلی آنها لطمه بزند؟

نه، من اینطور فکر نمی کنم ، با وجود راهکارهای دولت ، مشکلات و ناهنجاری های اجتماعی ما همچنان سیر صعودی دارد برای حل کردن این مشکلات باید نهادهایی از دل جامعه بیرون بیاید. در زلزله بم اگر ان جی اوی خانواده و زنان اینقدر قوی وفعال نبود، دولت خیلی ناکارآمد می شد. ان جی اویی هستند به نام NA که درصد زیادی از معتادین ما را با استفاده از علم روان شناسی ترک می دهد. این کار بار سنگینی از دوش دولت بر می دارد، جدا از اینکه سلامتی را به یک فرد معتاد بر می گرداند، پیرامون آن خانواده و جامعه را نیز از معضلات مربوط به این فرد می رهاند.

یا ان جی اوی مادران وقتی درباره رابطه کودک با خانواده و نقش زن در خانواده به جامعه آگاهی می دهد، با توجه به اینکه خانواده جزیی ترین و در عین حال مهم ترین رکن جامعه است، کمک بزرگی به سلامت جامعه می کند. یا مثلاً تلاشی که ان جی اوها در حیطه بیماری های خاص انجام دادند، هیچ وقت دولت نمی توانست انجام دهد.

حالا این تشکلها واقعاً ان جی او هستند؟ منظورم غیردولتی بودن آنهاست.

با توجه به اینکه بسیاری از این نهادها از طرف دولت حمایت می شوند.

اگر منظور حمایت مالی است که در تمام کشورها دولت بودجه ای را به ان جی اوها اختصاص می دهد؛ یعنی این تشکلها جدا از اینکه خودشان درآمد زایی می کنند، از حمایت دولت نیز بهره مند می شوند؛ این حق همه سازمانهای غیردولتی است، اما اگر منظورتان این است که برخی از این نهادها دولتی هستند، بله متأسفانه این هست اما من معتقدم این از مشکلاتی است که گذشت زمان آن را حل می کند.

خب این حمایتها و کمکهای مالی همان قصه بده بستان ها و سیاست ها و ... را هم با خود به همراه دارد.

ببینید متأسفانه این مسأله گاهی فسادهایی را هم با خود به همراه دارد؛ این نهادها صرفاً باید برای تحقق خواسته های مدنی گام بردارند و کار حزبی به آنها لطمه می زند. اما خوشبختانه اکثر این نهادها سیاسی نیستند وسازوکارهای اجتماعی دارند. من مدعی این موضوع هستم.

به نظر شما این سازمانها در از بین بردن فاصله بین مردم و دولت تا چه حد می توانند مثمر ثمر باشند؟

نهادهای غیردولتی در شرایط خاص به کمک دولت و جامعه می آیند و به صورت پل واسط بین این دو عمل می کنند. این در تعریف وظایف این نهادها می گنجد و اگر به هرکدام از این دو سمت بیشتر بلغزند، هدف اصلی را از دست می دهند. با توجه به شرایط خاص جامعه ما که همیشه ملت با دولت فاصله هایی داشته است، این نهادها در رفع این نقص خیلی خوب می توانندعمل کنند.

شما در تهیه مستندتان فقط به معرفی این نهادها پرداخته اید یا اینکه وارد مباحث آسیب شناسی هم شده اید؟

نه، بیشتر شناساندن ان جی او ها بوده است. با توجه به اینکه مدت زیادی نیست این تعریف مدرن وارد جامعه ما شده است، فکر نمی کنند بهتر است این نهادها از همین حالا به صورت جدی آسیب شناسی شوند، چون گذشت زمان باعث می شود که تعاریف درست و غلط آنچنان با هم گره بخورند که دیگر تشخیص سره از ناسره دشوار شود. به هر حال یک تعریف مدرن وقتی وارد جامعه می شود، باید همراه با آن زیرمجموعه هایش هم وارد شود. تشکلهای غیردولتی مشکلات زیادی دارند. مشکلات آموزشی و ظرفیت سازی دارند و مهمتر از همه اینها نبود خردجمعی است. همه ما در ذهن هایمان یک دیکتاتور کوچک داریم که به ما اجازه نمی دهد کار جمعی بکنیم. این ازمعضلاتی است که به فرهنگ ما بر می گردد. ما قبل از هر چیز باید یاد بگیریم که این خود رأیی ها را کنار بگذاریم. مابه ندرت در جامعه مان شرایط دموکراتیک داشته ایم و برای تحمل کردن یکدیگر تربیت نشده ایم. امتیازی که تشکلها دارند، این است که این مشکل را می بینند و این خودش قدم اول است. اما حل کردن این معضل بزرگ نیازمند گذشت زمان است. فکر می کنم در چندسال آینده این نهادها شرایط امروز را نخواهند داشت و به آگاهی های لازم خواهند رسید. چون خوشبختانه تعدادآنها آنقدر زیاد است که من بسیار خوشبینم که از دل آنها نهادهای کاملاً مستقل و کارآمد بیرون خواهد آمد. با وجود همه مشکلات من وجود این نهادها را بسیار ضروری می دانم و معتقدم آنها می توانند در ایجاد حرکت، تکاپو، انگیزه و اعتماد به نفس در جامعه مخصوصاً در نسل جوان بسیار موفق باشند.

پنج. داخلی / روز / دفتر منیژه حکمت

ضبط را خاموش می کنم، با خانم حکمت چای می خوریم و از او درباره فیلم تازه اش می پرسم. «من، اتاقم و دوستانم» فیلمی به کارگردانی مشترک منیژه حکمت و داریوش عیاری. او این بار سینمای شاعرانه را تجربه کرده است، تا ببینیم...

نگاهی بر امنیت اجتماعی زنان شاغل

خانه داری بهتر است یا امنیت شغلی؟!

مریم منافی

اشتغال زنان در خارج از منزل موضوع جدیدی نیست. از زمانی که محیط کاری و خانوادگی زنان از یکدیگر جدا شد و ایشان برای کار و فعالیت به خارج از خانه رفتند، به موضوع اشتغال آنان با دیدگاه جدیدی نگریسته شد. اکنون بیش از دویست سال از زمانی که زنها در قلمرو بازار کار، به تولید کالا و خدمات پرداختند می گذرد. با وجود گذشت این مدت طولانی، هنوز هم در اکثر کشورها، منزلت انتسابی زنان از نگرش عامل نسبت به کار آنان نشات می گیرد. نگرشی که مبتنی بر جنسیت زنان و نه منزلت اکتسابی و توانایی های فکریشان می باشد؟

خروج زنان از منزل و شاغل شدن ایشان، مهمترین رویدادی است که در زندگی آنان رخ داده است. زنان در گذشته اغلب اوقات خود را در منزل و جهت انجام فعالیتهای خانگی صرف می نمودند، درحالی که امروزه بخش عمده ای از فرصت های آنها در محیط های اجتماعی و شغلی می گذرد. شاغل شدن زنان بر تعدد نقشهای آنان که تاکنون به عنوان مادر و همسر ایفای نقش می کردند و اکنون با ورود به بازار کار و اشتغال در فعالیت های اقتصادی اجتماعی جامعه نیز دخالت دارند افزوده و با به جای گذاشتن اثرات قابل ملاحظه ای بر خانواده، تحولات اساسی در روابط، شکل و ترکیب آنان ایجاد نموده است. زنان شاغل به علت قبول مسؤولیت های مضاعف اجتماعی و خانوادگی در محیط کار و خانواده همواره در معرض تنش و آسیب های روحی روانی قرار دارند. نگارنده در این مجال سعی خواهد کرد عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان را مورد شناخت قرار داده و چشم اندازی نوین از امنیت بالاخص در دو محیط خانواده و کار را ارائه دهد.

توجه به آمار گزارش شده در طی سالهای ۸۰ـ۱۳۷۵ نشان می دهد که در کنار رشد ۱/۳ درصدی مشارکت مردان در بازار کار، نرخ مشارکت زنان نیز رشد فزاینده ای در حدود ۳۱/۹ درصد داشته است. رشد چشمگیر مشارکت فعالانه زنان در بازار کار دلالت بر ضرورت واردشدن زنان در عرصه کار و فعالیت خارج از خانه را دارد. فخری جمشیدی جامعه شناس ۱۳۸۱، معتقد است: چنانچه جامعه نیازمند کار زنان نبود، هرگز امکانات موجود برای اشتغال آنان را فراهم نمی ساخت. آنتونی گیدنز، نظریه پرداز معاصر جامعه شناسی (۱۳۷۸) نیز گسترش سطوح اشتغال برای زنان را در اثر افزایش کلی تعداد مشاغل در دسترس و نه نتیجه بیرون راندن مردان از مشاغلشان توسط زنان می داند. متأسفانه هنوز تعریف مناسبی از اشتغال زن در جامعه ما وجود ندارد.

پدیده اشتغال زن به دنبال حرکات مختلف اقتصادی اجتماعی جامعه رخ داده است.

برخی از عوامل نشأت گرفته از این دگرگونی، امنیت و آرامش خانوادگی وشغلی زنان را دچار مخاطره نموده و با مشکلاتی مواجه ساخته است. امنیت از جمله مهمترین نیازهای بشری محسوب می گردد، بدون وجود امنیت، تمامی اعمال فردی و اجتماعی با بحران مواجه می شوند، توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع بدون وجود امنیت امکانپذیر نخواهد بود. اصولاً افراد بشری جهت دستیابی به اهداف والای انسانی و حصول خوشبختی و موفقیت در زندگی، نیاز به وجود امنیت و احساس آن دارند. آبراهام مزلو در سال ۱۹۳۴، در تئوری انگیزش خود، پس از بیان نیازهای فیزیولوژیکی چون گرسنگی، تشنگی و ... بلافاصله نیاز به ایمنی و امنیت را ذکر نموده است.

امنیت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص های مهم توسعه و رفاه اجتماعی عمدتاً در قالب ارائه خدمات و تسهیلاتی خاص به گروههایی از افراد و بهره مندی آنان از برخی برنامه های رفاهی که در کل جنبه مادی و مجرد امنیت را حاصل می کند، عنوان شده و به بیان احساسی و حالتی آن کمتر پرداخته شده است. تأمین نیازهای مردمی، بهبود خدمات، امید به آینده احترام به پایگاه اجتماعی افراد و حفظ آن و ... در محیط خانواده و کار، از مهمترین عناوینی است که درمبحث امنیت اجتماعی مطرح می شود. عدم تحقق برخی مفاهیم این مقوله در خصوص جامعه زنان که به جبر برخی شرایط حاکم بر جامعه و بعضی باورهای فرهنگی و عرفی از حضور در برخی عرصه ها منع شده و نادیده گرفته شده اند، بیش از جامعه مردان محرز و مشخص می باشد.

زنان شاغل به دلیل حضور در دو محیط خانواده و کار بیش از سایر زنان در معرض آسیبهای ناشی از وجود و احساس ناامنی قرار می گیرند. دور شدن مادر از منزل، معطل ماندن وظایف خانوادگی، ایجاد فاصله در روابط دوستانه مادر با همسر و فرزندان و... زمینه ساز احساس نگرانی و ناامنی در مادران شاغل بوده و بر اضطراب آنها در محیط منزل می افزاید. براساس مطالعات روانشناسی اجتماعی، جایگاه حرفه ای یک زن به میزان قابل توجهی متأثر از موقعیت خانوادگی و نیز ضرورت ادغام نقش ها و مسؤولیت های وی به عنوان یک فرد شاغل، همسر و نیز مادر است. ایفای مجموع این نقشها، فعالیت زن را در بیشتر موارد محدود نموده و دستیابی به پیشرفت شغلی را برای وی مشکل تر می نماید. بدیهی است که انتقال ناخودآگاه مشکلات کاری به محیط خانواده، تنشهای روحی و روانی زن را افزایش داده و امنیت و آرامش خانوادگی را از وی سلب می نماید. نتایج پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده با موضوع بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان شاغل متأهل نشان می دهد که زنان نقش دو عامل ۱ مشارکت مردان در انجام امور منزل و ۲ رضایت زناشویی را به عنوان دو فاکتور مهم تأثیرگذار در امنیت خانوادگی خود عنوان نموده اند. نقش این دو عامل در امنیت اجتماعی زنان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مشارکت همسر شامل نگرش مثبت به اشتغال زن و نیز همکاری با وی در انجام وظایف خانه داری به عنوان مؤثرترین عامل در ایجاد حس امنیت و آرامش در زنان ذکر شده است. ویلموث وپانگ (۱۹۶۰) در نظریه خانواده متقارن معتقدند که همکاری مردان در انجام امور منزل به تقارن بیشتر نقشهای زن وشوهر در محیط خانواده منجر شده و پرداختن به فعالیتهای یکسان و برقراری ارتباطات بیشتر، وجوه مشترک همسران را در خصوص یافتن علاقه مندی های یکسان در انجام امور مختلف تقویت نموده و صمیمیت و دوستی زن و شوهر در نتیجه امنیت و آرامش زن در محیط خانواده را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر کمک نمودن مردان به زنان شاغل جهت انجام کارهای خانگی، فرصتهای مناسبی جهت بهبود و ارتقای شغلی آنان ایجاد نموده و امنیت شغلی آنان را افزایش خواهد داد.

عکس: راضیه بهرامی

رضایت زناشویی به عنوان عامل مؤثر دیگر در امنیت خانوادگی و در نتیجه امنیت اجتماعی زنان عنوان شده است. پروانه دانش، کارشناس ارشد جامعه شناسی در پژوهش خود اشتغال زن را به تنهایی عامل افزایش ناسازگاری واختلاف بین زوجین و از بین رفتن امنیت و آرامش زن در محیط خانواده نمی داند بلکه عوامل دیگری در این زمینه تأثیرگذارند، به عبارت دیگر شاغل شدن زن و زیر پا گذاشتن نظام سنتی تقسیم کار جنسی، موجب از میان رفتن امنیت و آرامش خانوادگی زن نخواهد شد.

با توجه به تکرار عوامل مؤثر بر امنیت خانوادگی زنان شاغل در امنیت اجتماعی آنان، می توان عنوان نمود امنیت اجتماعی زنان شاغل ایرانی بیشتر از امنیت شغلی متأثر از عوامل مؤثر بر امنیت خانوادگی آنان است. بدین ترتیب شاخص های امنیت اجتماعی زنان در محیط خانوادگی و در ارتباط باهمسر و فرزندان محقق شده و مصداق واقعی خواهد یافت.

محیط خانواده نخستین و اساسی ترین عامل در تکوین شخصیت همسران و فرزندان و زمینه ساز رشد و بلوغ جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، عقلانی، عاطفی و روانی آنان می باشد. تأمین نیازهای روانی متقابل اعضای خانواده، به ویژه همسران از جمله وظایف مهم و اساسی خانواده محسوب می گردد. مشارکت و همکاری در انجام امور مختلف، داشتن روابط دوستانه و صمیمی با یکدیگر، رضایت از زندگی زناشویی، همدردی و هم حسی در مقابله با مسائل و مشکلات پیش آمده، شریک بودن در غم و شادی یکدیگر و... از جمله عواملی است که در افراد ایجاد سکون و آرامش نموده و در رضامندی و بهره مندی افراد از احساس امنیت مؤثر خواهد بود.

همسران می توانند در محیط خانواده با ابراز علاقه و محبت بجا و به موقع به یکدیگر وبهره گیری از بیانی مناسب وشایسته و برقراری ارتباط انسانی مؤثر و توجه به نیازهای اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، روانی و جسمی یکدیگر، خود را از دغدغه تنهایی و محرومیت رهایی بخشند و موجبات سازگاری و هماهنگی را در یکدیگر فراهم نمایند. این امر موجب تعالی جنبه های مثبت انسانی افراد گردیده و در احساس امنیت و آرامش آنان نقش مؤثری را ایفا خواهد نمود.

گفت وگو با لاله صدیق نفر سوم مسابقات کارتینگ فدراسیون اتومبیلرانی

یک خانم از ما جلو زد!

پروانه عبدالهی

هنوز هم توی ترافیک و پشت چراغ قرمز هر ماشینی که بی موقع خاموش بشود، پیچ پیچ های همه شروع می شود: «حتماً راننده اش زنه!» و به قول لاله صدیق همچنان اقایان این آلرژی را دارند که: «یک خانم داره جلوی من میره!» صدیق ۲۸ ساله است فوق لیسانس مهندسی صنایع گرایش تولید وفعال در بخش برنامه ریزی تولید یک شرکت خصوصی است. از ترم بهمن امسال مدرس رشته زبان تخصصی مدیریت در دانشگاه آزاد خواهد بود. سوار کاری را به صورت حرفه ای انجام می داده چند کاپ و مدال هم دراین رشته دارد. ورزش بدنسازی را به طور حرفه ای دنبال می کند و.. اوقات فراغتش را کنار خانواده می گذراند! البته وقتی به اینجا رسید، از او پرسیدم: «مگه اوقات فراغت هم داری؟!» و مثل همیشه لبخند تمام قاب صورتش را پوشاند. او نفر سوم مسابقات کارتینگ شده و برای شما هم که شاید مثل من ندانید کارتینگ چیست ، باید بگویم همان ماشینی که چهار تا چرخ کوچک دارد با یک کفه فلزی بدون سقف وحفاظ وستون و با شتاب ۲۸ اسب بخار! (به همه موفقیت هایش گرفتن مجوز شرکت خانمها در ریس اقایان از نایب رئیس فدراسیون را هم اضافه کنید لطفاً!)

برنده یک بازی مردانه شدن چه رنگیه؟

خودم هم تا حالا رنگش را احساس نکرده بودم. البته این حس رقابت را داشتم و در مسابقه قبلی چهارم شدم و این باریک پله بالاتر آمدم و امیدوارم در آینده بهتر از این هم باشم ولی خب در کل رقابت سنگینی بود، به خاطر اینکه تجربه من در این ورزش نسبت به اقایانی که رقبای من هستند، بسیار کمتر است. آنها چهار پنج سال است که این ورزش را انجام می دهند ولی تجربه من در این رشته یک سال است. ضمن اینکه در رابطه با آمادگی جسمانی ، قطعاً نمی شود قدرت آقایان را با نیروی من مقایسه کرد و اینکه کارتینگ برخلاف ماشینهای معمولی قدرت زیادی می خواهد؛ کنترل کردنش در پیچ و اینکه به بالاتر رفتن سرعت ماشین وبمبره دارد، تکان می خورد. دوستانم می گفتند وقتی از سکوی تماشا تو را نگاه می کردیم، می دیدیم تو از روی صندلی آمدی بالا و مثل پرچم روی هوایی! به هر حال با خواست خدا و تلاش خودم این موفقیت حاصل شد. من درعین حال که خدا رو شکر می کنم می دانم که پشتکار خودم هم بوده، چرا که برای این کار زحمت کشیده ام و این رقابت سخت و قشنگ باعث شد که تشویق بشوم برای تلاش بیشتر.

عکس العمل آقایانی که از آنها برده بودید، چه بود؟

بعضی ها خیلی ناراحت بودند کسانی که رقیب من بودند، این جریان برایشان خوشایند نبود ولی آقایانی که جزو مسؤولین فدراسیون هستند خیلی خوشحال بودند؛ به خصوص استاد من که استاد خیلی از افراد اتومبیلران دیگر هم هستند، خسرومخزنی. ایشان و بعضی از دوستانم خیلی خوشحال بودند.

فکر اتومبیلرانی از کجا شروع شد؟

دوازده ساله بودم که رانندگی را با تشویق پدرم و با یک ماشین اتومات شروع کردم. یادم هست که آنقدر کوچک بودم که اگر می خواستم پایم را روی پدال گاز بگذارم دیگر جلو را نمی دیدم و اگر می خواستم جلو را ببینم نمی توانستم گاز بدهم! از همان جا شروع شد تا اینکه به سن گواهینامه رسیدم و برای تماشای مسابقات ریس آقایان می رفتم. درآن زمان هیچ صحبتی از شرکت خانمها در هیچ یک از رشته های اتومبیلرانی نبود.

سال ۷۳ با راهنمایی علیرضا طباطبایی که از قهرمانان ریس آقایان هستند ، برای اولین بار پیست را دور زدم و مرا به آقای مخزنی معرفی کردند. در اوایل، تمریناتم به طور مستمر نبود و روزهایی که هیچ کس دیگری در پیست نبود ، چون خانمها اصلاً مجوزی برای تمرین کردن در آنجا نداشتند. سال ۷۶ گفتند خانمها به عنوان همراه می توانند در مسابقات باشند. از همان جا حرفه اش در ذهنم ایجاد شد که بتوانم مسابقات را به صورت جدی پیگیری کنم تا اینکه در سال ۷۸ من توانستم برای اولین بار در رالی شرکت کنم به اتفاق خانم دیگری که نقشه خوان من بودند و اولین خانمهایی بودیم که در مسابقه کویر یعنی مسابقه سه روزه کاملاً جدی شرکت می کردیم. البته نتوانستیم پس آقایان مقام بیاوریم، اما به عنوان تنها و اولین شرکت کننده خانم در این مسابقات و اینکه صحیح وسالم به خط پایان رسیدیم ! به ما کاپ و جایزه دادند و تشویقمان کردند. مسابقات به همین منوال ادامه داشت تا الآن که در حدود دوسال است که من کاپیتان تیمی به نام پروما هستم که البته اعضای تیم من آقا هستند. سال گذشته این تیم پروما در قهرمانی کشوری اول شد. امسال هم امتیاز ما آنقدر خوب هست که فکر می کنم کاندیدای قهرمان کشوری بشویم. تقریباً دو مسابقه دیگر تا پایان امسال داریم، در اسفندماه هم جشن قهرمانان کشوری است که امیدوارم درآنها هم بتوانم شرکت کنم. در رابطه با کارتینگ هم یک سال است که شروعش کردم، از اول امسال بود که من در تمام مسابقات به طور جدی شرکت کردم.

ادامه در صفحه ۱۳